

ویژگی‌های دورهٔ اکبری در روابط فرهنگی ایران و هند

کریم نجفی بزرگر*

روابط ایران و هند که در طی قرون متمادی تا قرن دهم هجری/شانزدهم میلادی، یعنی روی کارآمدن حکومت صفویه (۱۱۴۸-۹۰۷/۱۷۳۶-۱۵۰۲ م) در ایران مقارن با تیموریان در هند، ادامه داشت در این دورهٔ خاص به ویژه در دورهٔ حکومت جلال‌الدین محمد اکبر شاه (۱۰۱۴-۹۶۳/۱۶۰۵-۱۵۵۶ م) و شاه عباس اول (۱۰۵۲-۹۹۶/۱۶۴۲-۱۵۸۸ م) در ابعاد مختلف به‌خصوص در بعد فرهنگی به اوج خود رسید. از آغاز تأسیس حکومت صفویه توسط شاه اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷/۱۵۲۴-۱۵۰۲ م) تا آخرین پادشاه این سلسله یعنی شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۴۴-۱۱۳۵/۱۷۳۱-۱۷۲۲ م) که حدود دو قرن به طول انجامید بر اساس تذکره‌ها و منابع تاریخی بیش از ۷۴۵ نفر از شعرا به هندوستان مهاجرت کردند که از این گروه کسانی که به جز شاعری جزء طبقات دیگر نیز محسوب می‌شدند عبارت بودند از: حکیم، ادیب، فقیه، دانشمند ۱۸ نفر، پزشک ۲۲ نفر، منجم ۶ نفر، آشنایان به علوم غریبه ۹ نفر، محاسب و سیاق‌دان ۲۰ نفر، خوشنویس ۵۷ نفر، استادان علم ادوار اعم از موسیقی‌دان، آهنگ‌ساز، خواننده، نوازنده ۲۴ نفر، درویش و قلندر ۴۷ نفر، هنرمندان و اهل صنایع مستظرفه ۲۷ نفر، مجلس‌آرایان اعم از قصه‌گو، شاهنامه‌خوان، ظریف، مقلد، ندیم‌بیشه ۱۸ نفر، بازرگان ۴۳ نفر، سیاح ۴۸ نفر؛ و تعداد کسانی که در هند به مقام و منصبی رسیدند اعم از ارکان سلطنت، صوبه‌داران، امرای هزاری تا نه هزاری ۴۳ نفر،

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، ایران.

ارباب مناصب اعم از منشیان، دیوانیان، صدور، قضات، امانا، کارگزاران ۸۸ نفر، ملک‌الشعرا ۳ نفر، امیرالشعرا ۱ نفر، سپاهی ۳۸ نفر؛ آنان که به زر سفید سنجیده شدند در عهد جهانگیر (۱۰۳۷-۱۰۱۴هـ/۱۶۲۷-۱۶۰۵م)، اسد قصه‌خوان برای قصه‌خوانی، حیاتی گیلانی، سعیدای گیلانی به جایزه شعر، نایی نیریزی برای نی‌نوازی در زمان شاهجهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷هـ/۱۶۵۸-۱۶۲۸م)، باقیای نایینی، سعیدای گیلانی، قدسی مشهدی، کلیم همدانی به جایزه شعر در دوران محمد شاه، علوی شیرازی به جایزه طبابت.

از مجموع مهاجران یادشده بالاترین رقم یعنی ۲۵۹ نفر متعلق به دوره حکومت اکبر شاه بوده است.

جلال‌الدین محمد اکبر پسر همایون در روز جمعه دوم ربیع‌الاول سال (۹۶۳هـ/۱۵۵۶م) به تخت سلطنت نشست. دوران اکبر که بیش از نیم قرن به طول انجامید ۲۱ سال آن مقارن با سلطنت اسماعیل ثانی (۹۸۵-۹۸۴هـ/۱۵۷۸-۱۵۷۶م)، و ۱۸ سال مقارن با سلطنت شاه عباس اول (۱۰۵۲-۹۹۶هـ/۱۶۴۲-۱۵۸۸م) بوده است.

دوران سلطنت پنجاه و یک‌ساله اکبر نه تنها از نظر سیاست مدنی و اقتصادی روشن‌ترین ادوار تاریخی هند به شمار می‌رود بلکه از جهت علم، ادب، هنر و فرهنگ نیز نسبت به ادوار قبل و بعد از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده است.

مهمترین چشم‌انداز حکومت اکبر توجه خاص او به فرهنگ به‌ویژه فرهنگ ایرانی است. اکبر نه تنها فرهنگ ایرانی را که پس از انقراض تیموریان در ایران روبه‌افول نهاده بود و توسط بابر (۹۳۷-۹۳۲هـ/۱۵۳۰-۱۵۲۵م) و همایون (۹۶۳-۹۳۰هـ/۱۵۵۶-۱۵۳۰م) نفس تازه‌ای به جسم بی‌روح آن دمیده شده بود بیش از آنها احیا کرد بلکه احیاگر فرهنگ ایرانی عهد ساسانیان نیز بوده است، به طوری که آیین درباری به‌خصوص آداب بار یافتن و رسم گُرنش و تعظیم و نحوه دادن صلوات و خطابات و هدایا و برگزاری جشن‌های آب پاشان، جشن مهرگان، جشن آبان و نوروز حاکی از آن بوده و او آنچنان تحت تأثیر آن فرهنگ قرار گرفت که تقویم اسلامی را که مبتنی بر سال‌های هجری بود به تقویم ایرانی مبتدل ساخت و در قلمرو خویش اوامری صادر کرد مبنی بر این که تمام جشن‌های ایرانی باید در تمام هندوستان رسماً برگزار شود.

یکی از علت‌های اساسی ویژگی‌های دوره اکبر در توسعه و ترویج فرهنگ و ادب، تسلط کامل وی بر اوضاع و احوال سیاسی مملکت و ثبات نسبتاً خوب اوضاع اقتصادی و به‌خصوص آوازه دین الهی و همزیستی مسالمت‌آمیز همه مذاهب و فرق درکنار یکدیگر بود.

نظم و نسق و هماهنگی و وحدت در متصرفات دوران حکومت اکبر با وجود قبایل، ادیان و فرهنگ‌های مختلف از کشمیر گرفته تا دکن نشانگر اندیشه دقیق وی در امور کشورداری بود که زمینه‌های رشد فکری و فرهنگی و ادبی را در این دوره بیش از همه دوره‌ها فراهم آورد و عامل جذب صنوف مختلف اندیشمندان از ایران گردید.

نکته مهمی که در حرکت فرهنگی دوره اکبر جلب توجه نموده و عامل بسیار مهمی در احیا و توسعه فعالیت‌های فرهنگی و حتی دینی گردید «زبان فارسی» بود.

زبان شیرین فارسی که همواره نقش مهمی در ایجاد ارتباطات نزدیک بین ایران و آسیای مرکزی به‌خصوص هندوستان ایفا کرده است در زمان تیموریان هند به ویژه دوره اکبر به عنوان غنی‌ترین و نیرومندترین عامل در انتقال فرهنگ و آداب و رسوم کهن ایرانی و پیشرفت فرهنگی و ادبی و هنری اسلامی در این خطه وسیع بوده است.

اکبر به وسیله زبان فارسی یک نهضت فکری و فرهنگی در زمینه‌های مختلف ایجاد کرد و طی دستوری به درباریان دانشمند خود همچون شیخ مبارک، فیضی، ابوالفضل علمای، عبدالقادر بدایونی، عبدالرحیم خان خان‌خانان و امثالهم در ترجمه شاهکارهای ادبی به زبانهای مختلف از سانسکریت و عربی و ترکی و لاتین به زبان فارسی همچون *مهابرات*، *راماین*، *راج‌ترنگینی*، *نل و دمن*، *سنگهاسن بتیسی*، *پنجه تترا*، *گتھاسرت ساگر*، *جامع التواریخ رشیدی*، *تاریخ الحکما*، *معجم البلدان* یا *قوت حموی*، *واقعات بابری* و غیره اقدام ویژه کرد.

همچنین فن تذکره‌نویسی که در این حرکت فرهنگی اکبر انجام گرفت قابل توجه است. این فن اگرچه بعد از تألیف *لباب‌الالباب* عوفی در هند چندان استمرار نیافت اما در عهد اکبر تذکره‌نویسی به عنوان یک فن مستقل به شمار آمده و از خود چنان نفوذی برجای نهاد که در تاریخ ادب فارسی دوره بعد یکی از موضوعات کثیرالتألیف قرار گرفت. از میان تذکره‌های شعرا علاوه بر آنچه ابوالفضل و بدایونی و نظام‌الدین

احمد در تواریخ خود مستقلاً در شرح احوال شعرا تحریر نموده‌اند از تذکره نقایس المآثر میر علاءالدوله قزوینی فرزند میر یحیی به عنوان یکی از بهترین تذکره‌ها می‌توان نام برد.

تذکره‌های دیگر چون هفت اقلیم احمد رازی، مجمع الفضلای بقایی، تذکره بتکده ملا محمد صوفی مازندرانی و تذکره بزم آرای میر سید علی بن محمود حسینی و غیره نیز درخور توجه‌اند.

در فن انشاء/نامه‌نگاری نیز کتاب‌های زیادی در این دوره تألیف گردید که از آن جمله می‌توان از رقعات و مکاتبات ابوالفضل موسوم به انشای ابوالفضل در سه دفتر نام برد.

در فن تاریخ‌نویسی نیز گام‌های بلندی در عهد اکبر برداشته شد که از اکبرنامه، آیین اکبری، تاریخ الفی، طبقات اکبری، منتخب التواریخ بدایونی می‌توان به عنوان مهم‌ترین تواریخ فارسی نام برد که هنوز مورخان جهان به عنوان تواریخ معتبر آنها را مورد استناد و استفاده قرار می‌دهند.

یکی از فنون دیگری که در عصر اکبر از امتیاز ویژه‌ای در ادب فارسی هند برخوردار است فرهنگ‌نویسی است. این فن سال‌ها پیش از این که در ایران رواج یابد در دوره اکبری به منصف ظهور رسید و فرهنگ‌هایی چون جهانگیری نوشته جلال‌الدین شیرازی در سال ۱۰۱۷ هجری و مدارالافاضل الله‌داد فیضی سرهندی در سال ۱۰۰۱ هجری و بعدها فرهنگ‌های دیگری همچون برهان قاطع محمد حسین بن خلف تبریزی در سال ۱۰۶۲ هجری و فرهنگ رشیدی نوشته عبدالغفور حسینی نقوی در سال ۱۰۶۴ هجری تدوین گردید.

این حرکت وسیع فرهنگی دوره اکبر شامل علوم عقلی مانند ریاضی، نجوم، اکسیر و نظایر آن نیز بود و علمایی چون ملا فتح الله برازی مخاطب به عضدالملک و مولانا الیاس منجم اردبیلی و نورالدین ترخان سفیدوانی، ملا میرزا مفلس و غیره در این دوره ظهور کردند.

درخور توجه است که این حرکت چشمگیر فرهنگی که در دوره اکبری تبلور یافت فنون دیگری نظیر مینیاتور، کتابت، خوشنویسی، نقاشی، و موسیقی را نیز فراگرفت. علما و دانشمندان ایرانی نقش اساسی در توسعه فرهنگ مشترک عهده‌دار بودند که

جاذبه‌های بی‌نظیر این سرزمین و سلاطین ادب‌پرور تیموری هند به ویژه اکبر را به این خطه وسیع سوق داده بود و گویا هند چنان‌که صائب متذکر گردیده کعبه حاجات همه آنها بوده است.

حبذا هند کعبه حاجات خاصه یاران عافیت جو را
هرکه شد مستطیع فضل و هنر رفتن هند واجب است او را